



## اختلافات چین و فیلیپین

جورج فریدمن  
استراتژیست

فیلیپین برای مدت‌های طولانی یکی از اجزای مهم شبکه اتحادیه‌های واشنگتن در آسیا و اقیانوسیه بوده است. جغرافیای فیلیپین به گونه‌ای است که به این کشور امکان می‌دهد تا در همکاری با آمریکا دسترسی چین را به کریدورهای حمل و نقل دریایی که اقتصاد صادرات محورش به آن وابسته است، قطع کرده و یا برقرار کند. اما همین جغرافیا موجب شده که فیلیپین سعی کند همواره تعادل در روابطش را با پکن و واشنگتن حفظ کند.

وضعیت موجود در سال ۲۰۲۲، زمانی که فردیناند مارکوس جونیور به‌عنوان رئیس‌جمهور فیلیپین انتخاب شد، تغییر کرد. او در سیاست خارجی، رویکردی را در پیش گرفته که بیشتر به ایالات متحده متمایل است. یکی از بهترین نمونه‌های این تمایل، توافق سال جاری با آمریکا بوده که به واشنگتن اجازه می‌دهد پایگاه‌های نظامی در فیلیپین ایجاد کند. این را هم در نظر بگیرید که استرالیا هم که متحد ایالات متحده است، توافقنامه مشابهی را با پاپوا گینه نو امضا کرد و چین وقتی به اطراف خود نگاه می‌کند، دیواری را می‌بیند که از جزایر آلیوتی تا ژاپن و استرالیا امتداد دارد و این دیوار هدفی ندارد جز مهار تمایل چین برای گسترش نفوذ خود. در امتداد این دیوار توپخانه‌ها، سامانه‌های موشکی و همچنین چندین بندر آماده، قرار گرفته‌اند. از آن زمان به بعد این سوال مطرح شده است که آیا چین واکنشی به این تحرکات نشان خواهد داد و اگر واکنش نشان دهد، این واکنش قرار است چگونه باشد؟ تلاش‌های قبلی چین برای واکنش نشان دادن شامل اقدام برای ایجاد فاصله بین فیلیپین و ایالات متحده بود. این تلاش‌ها با شکست مواجه شدند چراکه ایالات متحده از نظر اقتصادی مشوق‌های بیشتری داشت تا به فیلیپین ارائه دهد. پکن اکنون در حال امتحان کردن رویکردی متفاوت است. شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری چین، در سال گذشته دلایل زیادی برای گفت‌وگو کردن با جوبایدن در کالیفرنیا داشت. یکی از این دلایل، مطمئن‌آ یافتن راه‌هایی بود تا مانع از آن شود که آمریکا بتواند چین را احاطه کرده و دسترسی دریایی‌اش را مسدود کند. اما هر چیزی که در کالیفرنیا با آن موافقت شد یا نشد، آشکارا چین را راضی نکرد. چین کارزاری را با هدف اغوای مانیل و منصرف کردن این کشور از اجرای توافق نظامی‌اش با ایالات متحده آغاز کرده است. چین همچنین تهدید کرده، به خواست و فرآور منافع‌اش در فیلیپین نفوذ خواهد کرد. در همین راستا چین مجدداً ادعاهای سرزمینی خود را در دریای چین جنوبی مطرح کرده است. چین همچنین ناو هواپیمابر خود را به بمب‌افکن‌های آمریکایی در منطقه نزدیک کرده تا آمریکا را مجبور کند در موضع خود در خصوص منطقه تجدیدنظر کند. اما واضح است که هنوز هیچ درگیری‌ای رخ نداده است. این اقدامات صرفاً زست‌های منطقه‌ای هستند و این نوع زست‌ها رفتاری رایج محسوب می‌شوند اما آنچه از این رویدادها می‌توان مستفاد کرد این است که هیچ تفاهم‌پایداری در مورد مسائل نظامی یا دریایی چین جنوبی حاصل نشده است. چین به وضوح نشان می‌دهد پایگاه‌های آمریکایی را در فیلیپین تحمل نخواهد کرد. اما ایالات متحده به تازگی موضع خود را در برابر چین تقویت کرده و در موقعیتی نیست که داوطلبانه از موضع خود عقب‌نشینی کند.

این همان وضعیتی است که ممکن است به شرایطی بسیار مریکاتر تبدیل شود. با این حال، چشم‌انداز وقوع جنگ به توانایی‌های نظامی دو کشور متخاصم بستگی دارد. نیروی دریایی ایالات متحده همیشه قدرتمندتر از نیروی دریایی چین بوده و مواضع دفاعی و تهاجمی جدید در فیلیپین و پاپوا گینه نو توانایی چین را برای حمله دریایی بیشتر تضعیف می‌کند. با این اوصاف، اعتقاد بر این بود که مشکلات اقتصادی چین و سرگرم بودن آمریکا در اوکراین، این دورا وادار به توافق خواهد کرد. اما این احتمال وجود دارد که پکن به این نتیجه رسیده باشد ایالات متحده نمی‌تواند مشکلات اقتصادی خود را حل کند و واشنگتن هم معتقد باشد چین خواهان رویارویی نظامی است. در صورت چنین محاسبات اشتباهی، جنگ اجتناب‌ناپذیر است.

## چین به تایوان حمله نکرد

حزب کمونیست چین تمایل خود را برای استفاده از زور برای متحد کردن تایوان با چین، پنهان نکرده است. در دوره‌هایی از سال ۲۰۲۳، اینطور به نظر می‌رسد که سال ۲۰۲۳ باید سالی باشد که چین در نهایت از زور استفاده کرده و به تایوان حمله کند. پس از سفر نانسو، رئیس وقت مجلس نمایندگان آمریکا به تایوان در سال ۲۰۲۲، تسای اینگ‌ون، رئیس‌جمهور تایوان با کوبین مک‌کارتی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا در ایالات متحده دیدار کرد. چین در واکنش به این اقدام دور دیگری از مانورهای نظامی خود را در اطراف تایوان آغاز کرد. در همین حال، هندوراس با تغییر موضع خود در رسمیت شناختن دیپلماتیک از تایوان، مانور شدیدی چین را برای محروم کردن تایوان از فضای بین‌المللی در حمایت از خود شدت بخشید و همه فکر می‌کردند فضا برای حمله چین به تایوان در



## روسیه در اوکراین از سلاح هسته‌ای استفاده نکرد

یک سال پیش، بسیاری از تحلیلگران نگران بودند روسیه ممکن است در سال ۲۰۲۳ از تسلیحات هسته‌ای در اوکراین استفاده کند. خوشبختانه، سال ۲۰۲۳ بدون شلیک سلاح هسته‌ای آمد و رفت. چرا ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه از کشیدن ماشه سلاح هسته‌ای خودداری کرد؟ دو دلیل عمده برای پاسخ به این سوال وجود دارد؛ اول اینکه، حمله متقابل اوکراین در سال ۲۰۲۳ کمتر از آنچه بسیاری پیش‌بینی می‌کردند موفقیت‌آمیز بود. سناریوی تشدید تنش هسته‌ای که تحلیلگران بیش از همه از آن می‌ترسیدند، بر مبنای یک ضدحمله خیره‌کننده اوکراینی استوار شده بود. فرض بر این بود که این اقدام باعث می‌شود پوتین

استفاده از تسلیحات هسته‌ای غیراستراتژیک را در میدان نبرد به‌بخت ترجیح دهد. تنها این اقدام می‌توانست روسیه را از شکستی تحقیرآمیز که می‌توانست جایگاه پوتین در روسیه را تهدید کند، نجات دهد. در عوض شرایط به شکل دیگری پیش رفت. روسیه در سال ۲۰۲۳ شاهد فشار زیادی نبود. خطوط نبرد چندان تغییر نکرد و همین مسئله باعث شد که پوتین مجبور نشود به سمت انتخاب‌های سخت حرکت کند.

دوم اینکه، پوتین از ترس واکنش آمریکا و ناتو از استفاده از سلاح هسته‌ای منصرف شد. پوتین دستش در اوکراین پر است و خواهان جنگ بزرگ با غرب نیست. پیام‌های بازدارنده کاخ سفید در اواخر سال ۲۰۲۲ و اوایل سال ۲۰۲۳

به‌طور مؤثر این ترس‌ها را تقویت کرد. دولت بایدن علناً تهدید کرد، در صورت استفاده پوتین از سلاح‌های هسته‌ای، «عواقب فاجعه‌بار» برای روسیه به دنبال خواهد داشت و طبق گزارش‌ها، به‌طور خصوصی نیز روسیه را تهدید کرد که در صورتی که پوتین دست به کار احماقانه‌ای بزند، آمریکا با استفاده از نیروی نظامی‌اش از روسیه انتقام سختی خواهد گرفت. همین تهدیدها برای توقف دستور حمله هسته‌ای کافی بود. این پیام‌ها در کنار هم یک تهدید بازدارنده مؤثر را تشکیل دادند. با این حال، اگر یکی یا هر دوی این عوامل در سال ۲۰۲۴ تغییر کند، انتظار می‌رود نگرانی‌ها در مورد شکستن تابوی حمله هسته‌ای توسط پوتین دوباره افزایش یابد.

## اقتصاد آمریکا وارد رکود نشد

اقتصاددان‌ها سابقه خوبی در پیش‌بینی رکود ندارند و سال ۲۰۲۳ نیز از این قاعده مستثنی نبود. در آغاز سال، بسیاری از پیش‌بینی‌کنندگان اقتصادی در بخش خصوصی و دولتی فکر می‌کردند رکود جهانی «غیرقابل اجتناب» است. بلومبرگ حتی احتمال رکود اقتصادی آمریکا را ۱۰ درصد اعلام کرد. البته، اگر به مرکز ژئواکونومیکس دقت می‌کردید، می‌توانستید این احتمالات را کمی متفاوت محاسبه کنید. در ژانویه، ما میزبان نشست با حضور یان هاتزیوس، اقتصاددان ارشد گلدمن ساکس و مگان گرین از بانک انگلستان بودیم که هر دو آنها درباره چگونگی فرار ایالات متحده آمریکا از رکود اقتصادی بحث کردند. اما تحلیل خلاف از آب درآمد. چرا؟ اول از همه، شوک جهانی انرژی که بسیاری تصور می‌کردند سال ۲۰۲۳ را متأثر از خود کند، محقق نشد. ایالات متحده به رکورد بالاتری در تولید گاز طبیعی رسید. زمستان پارسال گرمتر از حد انتظار اروپا بود و از قضا، کندی اقتصاد جهانی میزان تقاضا را کاهش داد. این دستورات عملی برای به اصطلاح «فرود نرم» است. در آمریکا اتفاق عجیبی در مورد نیروی کار افتاد. حتی با وجود افزایش نرخ بهره توسط بانک مرکزی، اقتصاد آمریکا همچنان به افزایش شغل در یک روند سالم ادامه داد و به‌طور متوسط ماهانه بیش از ۲۵۰ هزار شغل ایجاد کرد. در گذشته، سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی بازار اشتغال را با مشکل مواجه می‌کرد، اما این بار پس‌اندازهای مردم در دوران همه‌گیری کرونا که در حساب‌هایشان باقی مانده بود، کار را آسان کرد. نکته اصلی این است که همه‌گیری کووید-۱۹ شوک اقتصادی بر خلاف سایر موارد ایجاد کرد، بنابراین شاید ما نباید تعجب می‌کردیم که بهبود اقتصادی نباید از قوانین عادی پیروی کند. اما نکته اینجاست که نیروی جاذبه همیشه مسیری برای بازگشت پیدا می‌کند. بنابراین صرفاً اینکه اکثر تحلیلگران اکنون فکر می‌کنند ما در مسیری هموار به سمت تورم پایین و ادامه رشد تولید ناخالص داخلی قرار داریم، اشتباهات پیش‌بینی‌ها در سال گذشته نشان داد ممکن است پیش‌بینی جدید نیز اشتباه از آب دربیاید.

تحلیل اندیشکده  
از انتظارات تحلیلگران کهرخداد  
در

۲



آریا صدیقی  
مترجم

در سال ۲۰۲۳ تحولات بسیاری رخ داد اما این را هم در نظر بگیرید که همه تحولات آن طور که می‌توانست رخ دهد، رخ نداد. به تمام نتایج فکر کنید که محتمل یا حتی بعید به نظر می‌رسیدند، اما رخ دادن‌شان ممکن بود ولی در نهایت رخ ندادند. بسیاری از مواردی که تحلیلگران انتظارش را